

## دکتر دیوید ال. متیوسون، الهیات عهد جدید، جلسه ۶، معبد در عهد عتیق

دیو متیوسون و تد هیلدیرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر دیو متیوسون هستم در مجموعه سخنرانی‌هایم در مورد الهیات عهد جدید. این جلسه ششم است، معبد در عهد عتیق.

موضوع بعدی که می‌خواهیم بررسی کنیم، موضوع معبد یا خیمه است.

من همچنین باغ عدن را نیز در نظر می‌گیرم، زیرا همانطور که خواهیم دید، باغ عدن ارتباط نزدیکی با مضمون معبد دارد. این نمونه دیگری از دشواری جدا کردن هر یک از این مضامین از سایرین است، زیرا آنها اغلب به شدت در هم تنیده شده‌اند. بنابراین، باغ موضوعی مرتبط با خلقت و زمین بود، اما خواهیم دید که باغ به مضمون معبد نیز تعلق دارد.

حال، ما قصد داریم معبد و خیمه را با هم بررسی کنیم. اگرچه آنها از نظر تاریخی و در عهد عتیق موجودیت‌های متمایزی هستند، اما من آنها را با هم بررسی خواهم کرد زیرا اساساً خیمه یک معبد قابل حمل است و معبد یک خیمه دائمی‌تر است. هر دو برای اهداف بسیار مشابهی عمل می‌کنند.

بنابراین، من قصد ندارم در مورد خیمه یا معبد جداگانه صحبت کنم، و گاهی اوقات در مورد هر دو صحبت خواهیم کرد. گاهی اوقات، ما عمدتاً به معبد اشاره خواهیم کرد، و از طرف دیگر، اغلب از باغ استفاده خواهیم کرد زیرا، همانطور که خواهیم دید، ارتباط نزدیکی بین باغ عدن و معبد و خیمه وجود دارد. به طور خلاصه، برای اهداف ما، اگرچه چیزهای بیشتری می‌توان در مورد معبد گفت، اهمیت معبد این است که مکانی است که خدا با قوم خود در آن زندگی می‌کند.

این مکانی است که واسطه حضور خدا در میان قومش بود. بنابراین، معبد نشان می‌داد که خدا با قومش بود. خدا در کنار قومش، ملت اسرائیل، حضور داشت.

حال، با این اوصاف، نقطه شروع برای درک و پرداختن به معبد، بازگشت به پیدایش ۱-۳ است. به خصوص فصل ۲ و باغ عدن. دلیل این گفته این است که همانطور که در جلسه اول یا دوم خود اشاره کردیم، جایی که کمی بیشتر در مورد پیدایش ۱-۳ صحبت کردیم، دیدیم که باغ عدن قرار بود یک پناهگاه باشد.

آنجا مکانی برای حضور الهی بود. فضایی مقدس بود. جایی بود که خدا به همراه قوم خود، آدم و حوا، در آن ساکن شدند.

در واقع، گوردون ونهام، محقق عهد عتیق، در مقاله‌ای، عملکرد باغ عدن را با این جمله خلاصه کرد: باغ عدن توسط نویسنده پیدایش صرفاً به عنوان یک قطعه زمین کشاورزی بین‌النهرین دیده نمی‌شود، بلکه به عنوان یک پناهگاه نمونه اولیه، یعنی مکانی که خدا در آن ساکن است و انسان باید او را پرستش کند، در نظر گرفته می‌شود. بسیاری از ویژگی‌های باغ را می‌توان در پناهگاه‌های بعدی، به ویژه خیمه یا معبد اورشلیم، یافت. این تشابهات نشان می‌دهد که خود باغ به عنوان نوعی پناهگاه درک شده است.

و من در واقع از شر این کلمه خلاص می‌شوم، اینکه باغ در واقع یک پناهگاه بود. یک خیمه معبد بود که خدا با قوم خود در آن زندگی می‌کرد. بنابراین، باغ یک پناهگاه است، باغ معبدی که خدا با بشریت، با اولین انسان‌هایی که آفرید، آدم و حوا، در آن ساکن بود.

بهترین راه برای اثبات این امر نه تنها از طریق متن پیدایش ۱ است که در آن به وضوح خدا در میان قوم خود ساکن و در خلقت اولیه با قوم خود حضور داشته و ساکن بوده است، بلکه همانطور که نقل قول گوردون ونهام می‌گوید، با اشاره به تعدادی از تشابهات دیگر بین توصیفات بعدی خیمه و معبد در عهد عتیق و توصیف باغ عدن و در واقع خود خلقت در پیدایش ۱ و ۲ است. حال، آنچه که من می‌خواهم بر آن تأکید کنم لزوماً همه مشاهدات خودم نیست، بلکه مجموعه‌ای از مشاهداتی است که دیگران به آن اشاره کرده‌اند، و همچنین تا آنجا که به تشابهات بین باغ عدن و توصیف بعدی خیمه و معبد در عهد عتیق مربوط می‌شود. بنابراین، به عنوان مثال، ما قبلاً اشاره کردیم که خدا هم در باغ عدن و هم در خیمه و معبد، مکانی برای حضور الهی بود، مکانی که خدا در آن با قوم خود ساکن بود. بنابراین، شما در ادامه در فصل سوم کتاب پیدایش به قدم زدن خدا در باغ اشاره می‌کنید، که این نیز منعکس کننده‌ی زبان حضور خدا در خیمه یا معبد در عهد عتیق است.

بنابراین، هم در باغ عدن و هم در خیمه و معبد، مکانی است که خدا با قوم خود ساکن است؛ مکانی برای حضور الهی است. مورد دوم که برای من جذاب است، زمانی است که روایت تزئینات خیمه و معبد را می‌خوانید؛ متوجه خواهید شد که اغلب درختان و گیاهان نقش کلیدی در دیوارها یا حکاکی‌های روی دیوارها یا چیزهای خاص دارند. این موضوع در مورد معبد نیز صادق است.

آن درختان و گیاهان حکاکی شده در معبد و برخی از مبلمان آن، به گونه‌ای طراحی شده بودند که گیاهان به ویژه درخت زندگی در باغ عدن را منعکس کنند، به عنوان نمادی از این واقعیت که باغ، مکانی برای زندگی و باروری بوده است. شاید حتی چراغدانی که معبد را روشن می‌کرد، نه تنها نور خلقت اولیه در پیدایش فصل ۱ را منعکس می‌کند، بلکه چراغدان معبد، یعنی شمعدان، را نیز منعکس می‌کند که قرار بود نمایانگر درخت زندگی باشد. به عنوان مثال، در خیمه، خروج فصل ۲۵، درخت زندگی همان چیزی است که قبلاً در پیدایش فصل ۲ و آیه ۹ به آن اشاره کردیم، درخت زندگی که در باغ قرار دارد.

اما وقتی شروع به خواندن آیه ۳۱ از باب ۲۵ در مورد خیمه می‌کنیم، یک چراغدان از طلای خالص بسازیم و پایه و بدنه آن را با چکش بکوبیم. جام‌های گل‌مانند، غنچه‌ها و شکوفه‌های آن باید از یک تکه باشند. شش شاخه از کنار چراغدان بیرون زده شود، سه شاخه در یک طرف و سه شاخه در طرف دیگر.

سه جام به شکل گل بادام با غنچه‌ها و شکوفه‌ها باید روی یک شاخه، سه تا روی شاخه بعدی و همین‌طور برای هر شش شاخه‌ای که از چراغدان بیرون می‌آیند، قرار گیرد. روی چراغدان، چهار جام به شکل گل بادام، غنچه‌ها و شکوفه‌ها وجود دارد. یک غنچه زیر اولین جفت شاخه‌ای که از چراغدان بیرون می‌آید، غنچه دوم زیر دومی و به همین ترتیب.

همینجا تمام می‌کنم. اما متوجه منظوم شدید. به نظر می‌رسد پایه‌های چراغ شاید گیاهان یا ثمربخشی خلقت اولیه و همچنین احتمالاً درخت حیات در پیدایش فصل ۲ و آیه ۹ را که در مرکز باغ عدن قرار داشت، منعکس می‌کنند.

ارتباط جذاب دیگر، که سومین مورد است، این واقعیت است که طلا یکی از ویژگی‌های کلیدی آرایش است، فلزات گرانبهایی که در آرایش خیمه و معبد استفاده شده‌اند. در توصیف شمعدان، پایه چراغی که همین الان خواندم، از طلا ساخته شده بود. اگر به کتاب خروج مراجعه کنید و مطالب بسیار گسترده‌تری از آن بخشی که من خواندم بخوانید، خواهید دید که طلا فلز مهمی در آرایش خیمه بوده است.

همچنین، من در حال حاضر به متن خاصی اشاره نمی‌کنم، اما اگر اول پادشاهان ۵-۷ را بخوانید یا حتی نگاهی اجمالی به آن بیندازید، متوجه خواهید شد که طلا در همه جای ساخت معبد خودنمایی می‌کند. اگر فقط

بتوانم یک متن، خروج ۲۵، را بخوانم، فقط می‌خواهم ویژگی کلیدی طلا را که در آرایش خیمه نقش دارد، به شما نشان دهم. فصل ۲۵، ۷-۱۷.

بباید اینجا را ببینیم. از آیه ۷، عقیق، سنگ‌ها و سایر جواهرات باید بر روی ایفود سینه‌بند نصب شوند. سپس، من آنها را وادار خواهم کرد تا برای من محرایی بسازند و در میان آنها رسم خواهم کرد.

این خیمه و اثاثیه آن را دقیقاً مطابق نمونه‌ای که به تو نشان می‌دهم بساز. از آنها بخواه صندوقچه‌ای از چوب افاقیا به طول دو و نیم ذراع، عرض یک و نیم ذراع و ارتفاع یک و نیم ذراع بسازند. آن را از درون و بیرون با طلای خالص بپوشانند و قابی از طلا دور آن بسازند.

چهار حلقه طلا برای آن درست کن. اجازه دهید به آیه ۳۱، در ابتدای توضیحات چراغدان، بروم. یک چراغدان از طلای خالص بساز و آن را با چکش بکوب.

بنابراین، طلا فلز غالب مورد استفاده در ساخت خیمه و معبد بود. با این حال، نکته جالب این است که طلا در باغ عدن نیز یافت می‌شود. در سفر پیدایش، فصل ۲، نویسندگان ضمن توصیف مناطق اطراف می‌گویند که از آیه ۱۰ فصل ۲، رودخانه‌ای از عدن جاری بوده که باغ را آبیاری می‌کرده است.

از آنجا، به چهار سرچشمه تقسیم شد. نام اولین آنها فیشون است که از سراسر سرزمین حویله، جایی که طلا وجود دارد، می‌گذرد.

آیه ۱۲، طلای آن سرزمین نیکوست. بنابراین طلا حتی با باغ عدن نیز مرتبط است. بنابراین طلا فلز مهمی است که در باغ عدن، در متن باغ عدن، یافت می‌شود و اکنون نیز فلز مهمی در خیمه و معبد است، که به نظر من، نشان‌دهنده یک ارتباط، یک ارتباط عمده بین معبد، معبد خیمه و باغ عدن است.

مورد دیگری که چندین نفر در میان محققان عهد عتیق تشخیص داده‌اند، در فصل ۲ و آیه ۱۵ سفر پیدایش است که به آدم گفته می‌شود باغ را کشت و نگهداری کند. فصل ۲ و آیه ۱۵. جالب اینجاست که این دو کلمه بعداً در عهد عتیق نیز به عنوان کلماتی که وظیفه کاهنان را در خیمه یا معبد توصیف می‌کنند، آمده‌اند.

برای مثال، در کتاب اعداد، اعداد فصل ۳ و آیات ۷ و ۸. اعداد ۳، آیات ۷ و ۸ می‌گویند که آنها باید انجام دهند، بگذارید برگردم؛ خداوند به موسی گفت، قبیله لای را بیاور و آنها را به هارون، کاهن، تقدیم کن تا به او کمک کنند. آنها باید وظایفی را برای او و برای کل جامعه در خیمه اجتماع با انجام کار خیمه انجام دهند. آنها باید از تمام اثاثیه خیمه برای اجتماع مراقبت کنند.

همچنین، در فصل ۱۸ از سفر اعداد، و همچنین فصل‌های ۵ و آیات ۵ و ۶، با اشاره به وظایف کاهن و لاویان، شما مسئول مراقبت از محراب و قربانگاه هستید تا خشم دوباره بر اسرائیل نازل نشود. من خودم لاویان شما را از میان بنی اسرائیل به عنوان هدیه‌ای برای شما انتخاب کرده‌ام که به خداوند تقدیم شده‌اند تا کار را در خیمه اجتماع انجام دهند. بنابراین، ما ارتباطی بین آنچه آدم قرار بود در باغ انجام دهد، کار کردن در آن، مراقبت از آن پیدا می‌کنیم. ترجمه‌های مختلفی از آن به انگلیسی وجود دارد، اما کلمات همان کاری است که کاهنان قرار بود در خیمه انجام دهند، به ویژه در کتاب اعداد.

ارتباط دیگر این است که در پیدایش فصل ۲، آیه ۱۰، آیه‌ای که همین الان در رابطه با طلا خواندیم می‌بینیم که رودخانه‌ای از عدن جاری می‌شود تا باغ را آبیاری کند. همین موضوع را در حزقیال ۴۷ و آیات ۱ و ۲ نیز می‌بینیم، متنی که قبلاً در رابطه با مکاشفه فصل ۲۲ به آن پرداخته‌ایم، اما دوباره به آن نگاه خواهیم

کرد زیرا فصل‌های حزقیال ۴۷ در زمینه یک معبد، معبد بازسازی شده، است و در حزقیال ۴۷ آب از معبد به همان روشی جاری می‌شود که رودخانه‌ای از عدن جاری می‌شود تا باغ را آبیاری کند. همچنین، بین درختانی که در باغ عدن کنار رودخانه کاشته شده‌اند و درختانی که در حزقیال ۴۷ کنار رودخانه کاشته شده‌اند، ارتباطی وجود دارد.

یک مورد آخر که بسیار جذاب است و به نظر می‌رسد عمدی باشد، زمانی است که روایت ورود خدا به معبد را می‌خوانیم: او از شرق وارد معبد می‌شود. برای مثال، در معبد بازسازی شده حزقیال فصل ۴۳، در حزقیال ۴۳، همانطور که گفتیم، کل بخش‌های ۴۰ تا ۴۷، در رؤیاهای حزقیال بازسازی شده، رؤیای آینده یک معبد بازسازی شده، معبد بازسازی شده. در فصل ۴۳، پس از نویسنده در ۴۱ و ۴۲، نویسنده اساساً یک سفر رؤیایی به معبد و ابعاد آن دارد و بخش‌های مختلف را می‌بیند.

سپس، در آیه ۴۳، جلال و حضور خدا که در فصل‌های اولیه حزقیال از معبد خارج شده بود، اکنون به معبد بازمی‌گردد. توجه کنید که فصل ۴۳ آیه ۱ چگونه آغاز می‌شود. سپس، موجودی فرشته‌ای وجود دارد که این رؤیا را به حزقیال نشان می‌دهد. سپس، آن مرد مرا به دروازه‌ای که رو به شرق بود، آورد و من جلال خدای اسرائیل را دیدم که از شرق می‌آمد. صدای او مانند غرش آب‌های خروشان بود.

وقتی به پیدایش فصل ۳ و آیه ۲۴ برمی‌گردید، همانطور که آدم و حوا از باغ عدن رانده یا تبعید می‌شوند، در آیه ۲۴ به ما گفته می‌شود که پس از اینکه او آدم و حوا را بیرون راند، پس از اینکه او آدم و حوا را بیرون راند، در سمت شرقی باغ عدن، کروبیان و شمشیری آتشین را که به جلو و عقب می‌درخشیدند، قرار داد تا از راه درخت زندگی محافظت کنند. بنابراین، ارتباط بین جهت شرقی این است که در عدن، ورودی باغ به نظر می‌رسید از شرق باشد. به همین ترتیب، از دروازه شرقی است که حضور و جلال خدا در حزقیال فصل ۴۳ معبد را پر می‌کند.

بنابراین، همه این ارتباطات نشان می‌دهد که به احتمال زیاد، باغ عدن قرار بوده منعکس کننده معبد و خیمه باشد، یا من معتقدم که برعکس است، یعنی خیمه و معبد از روی باغ عدن الگوبرداری شده‌اند، که نشان دهنده این واقعیت است که عدن محل حضور خدا بوده است. آنجا یک پناهگاه بود، مکانی که خدا با قوم خود در آن ساکن بود، و بنابراین اکنون معبد و خیمه قرار است آن را تکرار یا منعکس کنند. معبد و خیمه، باغ‌های مینیاتوری عدن هستند.

جان والتون، در کتابی درباره داستان گمشده پیدایش، استدلال می‌کند که روایت پیدایش ۱ از خلقت این است که خدا در واقع در حال خلق یک معبد کیهانی، پناهگاهی برای سکونت در آن است. گرگ بیل نیز استدلال کرده است که هدف پیدایش ۱ و ۲ این است که در نهایت، آدم و حوا، که در باغ عدن قرار گرفته‌اند، آن را گسترش دهند تا تمام جهان را در بر بگیرد، به طوری که حضور خدا، حضور خیمه معبد او در پناهگاه عدن، وظیفه آدم و حوا این بود که حضور و حکومت خدا را فراتر از آن گسترش دهند تا کل خلقت را در بر گیرد. در واقع، وقتی ادبیات آخرالزمانی یهود را می‌خوانید، به عنوان مثال، مانند خونخوم و سوم، به اعتقاد من، و در جاهای دیگر، آدم اغلب به عنوان کاهنی توصیف می‌شود که در باغ عدن به خدا خدمت می‌کند.

خدا از یک سر باغ تا سر دیگر آن می‌درخشد. بنابراین (Shekinah) در یک متن آخرالزمانی، شکوه شکینا حتی در ادبیات بین عهدین یهودی، گاهی اوقات باغ عدن را به عنوان یک معبد، یک پناهگاه به تصویر می‌کشیم و آدم کاهنی است که در پناهگاه به خدا خدمت و پرستش می‌کرد. باغ عدن مکانی بود که جلال خدا به عنوان اولین معبد او در آن ساکن و ساکن بود.

بنابراین، در پایان بررسی پیدایش ۱ و ۲ و تصویر آن از باغ عدن به عنوان یک معبد یا یک پناهگاه، نتیجه می‌گیرم که نویسنده، معبد را به عنوان پناهگاهی که خدا با قوم خود در آن زندگی می‌کند، به تصویر می‌کشد و توصیف می‌کند. آنها از برکت حضور خدا در میان خود لذت می‌برند. سپس آدم و حوا به عنوان کاهنانی عمل می‌کنند که در معبد عدن خدا را عبادت و خدمت می‌کنند.

آنها باید آن را حفظ کنند، از آن محافظت کنند و به عنوان قوم خدا از آن نگهداری کنند. این امر توسط معبد و ارتباط آن با معبد و خیمه نشان داده شده است. به آن باز خواهیم گشت.

اما یک بار دیگر، به نظر من می‌رسد که خیمه و معابد قرار است کپی‌هایی از باغ عدن باشند. و دلیل آن این است که پس از این توصیف از پناهگاه باغ، جایی که خدا با قوم خود ساکن است، جایی که آدم و حوا به عنوان کاهن به او خدمت می‌کنند، و پس از آن در پیدایش ۳ می‌بینیم که گناه وارد جهان می‌شود. آدم و حوا در وظیفه خود شکست می‌خورند.

آنها در حفظ حرم حضور الهی خدا کوتاهی می‌کنند. و به دلیل گناه و نافرمانی، از حرم باغ تبعید می‌شوند. همانطور که در فصل ۳، آیه ۲۴ دیدیم، آنها از حضور خدا به کروبیان، چهره‌های فرشته‌مانند، که از ورودی شرقی حرم، محل حضور خدا، محافظت می‌کنند، رانده می‌شوند.

و اکنون آدم و حوا از ورود به محراب معبد منع شده‌اند. بنابراین، اکنون این سوال مطرح می‌شود که پس از فصل ۳، خداوند چگونه حضور خود را در سکونت با بشریت دوباره برقرار خواهد کرد و در نهایت آن را گسترش خواهد داد تا کل خلقت را در بر بگیرد، همانطور که در پیدایش ۱ و ۲ قصد داشت؟ اما اکنون که گناه وارد جهان شده است، نوعی اختلال در داستان ایجاد شده است و اکنون درگیری رخ می‌دهد؛ خداوند چگونه می‌خواهد این را حل کند؟ خداوند چگونه می‌خواهد قصد خود را برای تأسیس زمین به عنوان محل سکونت خود که در آن با بشریت در کل کیهان ساکن است، احیا کند؟ خب، یک راه برای نگاه کردن به این موضوع این است که، همانطور که بقیه عهد جدید ادامه می‌دهد، می‌توانیم به آن از نظر مجموعه‌ای از مراحل یا مراحل چگونگی شروع این اتفاق نگاه کنیم. باز هم، من فقط می‌خواهم با قلم‌موی بسیار کلی نقاشی کنم و به حرکات اصلی یا مراحل اصلی در حل معضل خداوند از پیدایش ۳، در استقرار مجدد حضور خود در جهان با بشریت که در سراسر زمین گسترش خواهد یافت، نگاه کنم.

بنابراین، اولین گام مهم، ساخت خیمه در نیمه دوم کتاب خروج است. بنابراین خداوند قوم خود را از مصر نجات می‌دهد، آنها را از طریق دریای سرخ، از طریق بیابان و در نهایت به سرزمین کنعان می‌آورد، جایی که خداوند در آن زمان اراده خواهد کرد؛ وقتی به کنعان می‌رسند، سرانجام یک معبد خواهند ساخت. اما در این میان، همانطور که آنها آن سفر را از طریق بیابان به سرزمین کنعان، به سرزمین موعود، انجام می‌دهند خداوند در نیمه دوم کتاب خروج به آنها دستور می‌دهد که خیمه‌ای بسازند که در طول سفرشان در بیابان آنها را همراهی کند.

حالا دوباره، من نمی‌خواهم وارد جزئیات زیادی در مورد ساخت خیمه و شکل ظاهری آن شوم، و نه برای آن مجهز هستم و نه آماده‌ام، اما اساساً، خیمه از یک حیاط محصور تشکیل شده بود، و سپس در داخل آن حیاط یک سازه بزرگتر شبیه چادر وجود داشت که از دو بخش تشکیل شده بود، یک مکان مقدس، و سپس چیزی که ما به عنوان قدس الاقداس می‌شناسیم. و در دومی، در قدس الاقداس، صندوق عهد قرار داشت. در قدس الاقداس بود که خدا به طور خاص با قوم خود ملاقات کرد.

نکته‌ی مهم این است که این یک سازه‌ی موقت بود. اسرائیل می‌توانست آن را پایین بیاورد و هنگام نقل مکان، با خود ببرد. با این حال، این کار بسیار دشوارتر از برپایی چادر چهار نفره یا دو نفره یا هر چیز دیگری بود. اما قرار بود موقت باشد تا بتوانند آن را هنگام نقل مکان با خود ببرند.

اما آنها ساختند، ما در سفر خروج روایتی از خداوند را می‌یابیم که به بنی‌اسرائیل، و به طور خاص به موسی، دستور می‌دهد که خیمه چه شکلی باشد، چگونه آن را بسازند، و سپس روایت بنی‌اسرائیل که محراب خیمه، را می‌سازند. و سپس در نهایت، در فصل ۴۰ سفر خروج، و با شروع از آیات ۳۴ و ۳۵. بنابراین موسی، در آیه ۳۳، حیاط اطراف خیمه و قربانگاه را برپا کرد، پرده را در ورودی حیاط نصب کرد، و بدین ترتیب موسی کار را تمام کرد.

آیه ۳۴، آنگاه ابر، خیمه اجتماع را پوشاند و جلال خداوند، خیمه را پر کرد. موسی نتوانست وارد خیمه اجتماع شود زیرا ابر بر آن قرار گرفته بود و جلال خداوند، خیمه را پر کرده بود. در تمام سفرهای بنی‌اسرائیل، هرگاه ابر از بالای خیمه بلند می‌شد، آنها حرکت می‌کردند، اما اگر ابر بلند نمی‌شد، تا روزی که بلند می‌شد، حرکت نمی‌کردند.

بنابراین، ابر خداوند در طول روز بر فراز خیمه بود و آتش در طول شب در داخل تمام خانه اسرائیل در طول تمام سفرهایشان در ابر بود. بنابراین، نکته این است که در پایان ساخت خیمه، جلال خدا، حضور او وارد خیمه می‌شود، همانطور که حضور او در باغ عدن ساکن بود. بنابراین، اجازه دهید چند نکته در مورد خیمه در رابطه با قصد خدا برای برقراری مجدد حضور خود در میان قومش بیان کنیم.

اول از همه، یک بار دیگر، این مکانی است که خدا با قوم خود بر روی زمین ساکن بود، اما در عین حال خود ساخت خیمه، و آنچه در فصل ۴۰، آیات ۳۴ و ۳۵ سفر خروج که من خواندم، می‌خوانیم، نشان می‌دهد که در عین حال، حضور خدا به یک معنا محدود است. حضور خدا با تمام خلقت همسو نیست یا مانند باغ عدن، فوراً برای همه مردم در دسترس نیست. اما اکنون، قوم خدا از حضور خدا بر روی زمین لذت می‌برند، اما این لذت را به شیوه‌ای محدود تجربه می‌کنند.

دوم، ما قبلاً به ارتباط آن با باغ عدن اشاره کرده‌ایم، و آن خیمه است؛ این باغ آنقدرها هم از روی خیمه الگوبرداری نشده، بلکه احتمالاً برعکس، همانطور که لحظه‌ای پیش اشاره کردم. خیمه احتمالاً قرار بوده از روی باغ عدن الگوبرداری شود. از آنجایی که عدن محل سکونت خدا بود، خیمه اکنون نوعی عدن دیگر یا یک عدن مینیاتوری است. حال، خیمه محل سکونت خداست.

آنچه خدا در باغ عدن در نظر داشت، اکنون در باغ خیمه در حال بازسازی است، به اصطلاح. نکته سوم این است که با توجه به این مشاهده و با توجه به آنچه تعدادی دیگر از محققان عهد عتیق در مورد خیمه گفته‌اند، تشخیص دهیم که خیمه همچنان قرار بوده نمونه کوچکی از کل کیهان، از کل خلقت باشد. ما قبلاً به پیوندهای آن با باغ عدن توجه کرده‌ایم و من به استدلال جان والتون اشاره کرده‌ام که حتی فصل ۱ خلقت جهان، قرار بوده یک خیمه، ساخت یک خیمه، حداقل در یک سطح باشد.

بنابراین، خیمه، به عنوان نوعی جهان کوچک از آنچه که قرار بود کل جهان باشد، حضور خدا را در کل کیهان، در کل خلقت، نه فقط در یک ساختار فیزیکی با اسرائیل، پیش‌بینی می‌کند. بنابراین، منظور این است که ساخت خیمه، و به نظر من همین امر در مورد معبد نیز صادق است، هرگز قرار نبود به خودی خود یک هدف باشد. هرگز قرار نبود پاسخ نهایی برای اهداف خدا برای اسرائیل یا قصد خدا برای سکونت با قومش باشد.

اما قرار بود به حضور خدا در سراسر خلقت اشاره کند و آن را پیش‌بینی کند. و برای اینکه جلوتر برویم، آن را در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ دیدیم. با نقل قولی دوباره از گرگ بیل، در کار او در مورد معبد، او می‌گوید که معبد یک ماکت در مقیاس کوچک و یادآوری نمادین برای اسرائیل بود که حضور باشکوه خدا سرانجام کل کیهان را پر خواهد کرد.

و گرگ بیل در آنجا درباره معبد صحبت می‌کرد، اما همین را می‌توان در مورد خیمه نیز گفت. باز هم، خیمه اساساً یک معبد قابل حمل بود و معبد یک خیمه دائمی‌تر. بنابراین، اولین مرحله اصلی در پاسخ به این سوال این است که چگونه خدا قرار است سکونت خود را با قومش در خلقت، در جهان، همانطور که انجام داد، همانطور که در پیدایش ۱ و ۲ قصدش بود، بازسازی و از نو برقرار کند. اکنون که گناه وارد جهان شده است، خدا چگونه آن را بازسازی خواهد کرد؟ اولین قدم اصلی از طریق ساخت یک خیمه عدن، یک خیمه از نوع عدن، بود که در آن خدا با قومش ساکن خواهد شد، اما به نظر می‌رسید که خود این خیمه قصد خدا را برای گسترش نهایی حضورش به سراسر جهان پیش‌بینی می‌کرد.

دومین گام مهم، ساخت معبد بود. و می‌توانید ورق بزنید، ما کل آن را نمی‌خوانیم، اما ممکن است بعداً به بخش‌هایی از آن اشاره شود. می‌توانید اول پادشاهان ۵-۷ را برای جزئیات ساخت و توصیف خود معبد بخوانید. همانطور که ممکن است در تاریخ اسرائیل دیده باشید، داوود مکانی را تصرف می‌کند که در اصل یک زمین خرمن‌کوبی بود که در نهایت معبد بر روی آن ساخته شد.

اما به داوود اجازه داده نمی‌شود که معبد را بسازد. پسرش سلیمان معبد را خواهد ساخت، و ما می‌بینیم که خداوند این را به داوود وعده داده و در دوم سموئیل ۷ به داوود در این زمینه دستور داده است. اما سپس در اول پادشاهان ۵-۷، سرانجام می‌بینیم که سلیمان با ساختن معبد به آن وعده عمل می‌کند. برای اینکه کمی بیشتر توضیح دهیم، چگونه از خیمه به معبد رسیدیم؟ خیمه در نهایت به شیلوه آورده شد و در آنجا برپا شد، و اینجاست که شیلوه را در ارتباط با داستان سموئیل و غیره می‌بینیم.

اما به دلیل فساد، خدا معبد را رها می‌کند و سپس داوود صندوق عهد را به اورشلیم می‌آورد. سرانجام داوود صندوق عهد را به شهر اورشلیم می‌آورد. و سپس، همانطور که گفتیم، در نهایت پسر داوود، سلیمان، معبد را ساخت، یک خیمه دائمی‌تر.

بنابراین، اساساً ویژگی‌های خیمه اکنون به معبد منتقل شده است. اول از همه، معبد اکنون مکانی برای سکونت خداست. مکانی است که خدا با قوم خود بر روی زمین در آن ساکن خواهد شد، اما بار دیگر محدود شده است.

حضور خدا محدود است. حضور خدا به طور خاص در قدس الاقداس تجلی یافته است. وقتی عهد عتیق را با دقت می‌خوانید، فقط کاهن اعظم می‌تواند سالی یک بار وارد قدس الاقداس شود.

کتاب عبرانیان در عهد جدید نیز این موضوع را توصیف می‌کند. بنابراین، اول از همه، اگرچه محدود است، اما معبد هنوز مکانی برای سکونت خداست. دوم، ما به ارتباط بین معبد و باغ عدن اشاره کردیم.

بنابراین، مانند خیمه، قرار بود معبد، باغ عدن مینیاتوری باشد، همانطور که خدا با قوم خود در باغ مقدس ساکن بود، اکنون با قوم خود در معبد اقامت می‌گزیند. و در نهایت، معبد نیز، مانند خیمه، قرار بود نمونه کوچکی از کل کیهان باشد. قرار بود نمادی از این واقعیت باشد که خدا در نهایت قصد داشت حضور خود را گسترش دهد و با کل خلقت همسو شود، نه محدود به یک ساختار خاص.

بعدها، برخی از مزامیر اهمیت معبد را به عنوان محل سکونت خدا نشان می‌دهند و همچنین به نظر می‌رسد که پیش‌بینی می‌کنند هدف این بوده است که حضور خدا تمام زمین را در بر بگیرد. بنابراین، برای مثال، در مزمو ۸۴، مزمو شماره ۸۴، این را می‌خوانیم: ای خداوند متعال، محل سکونت تو چه دلپذیر است! جان من مشتاق صحنه‌های خداوند است، حتی از شدت اشتیاق، بی‌تاب می‌شود. قلب و جسم من برای خدای زنده فریاد می‌زنند.

، حتی گنجشک خانه‌ای و پرستویی، لانه‌ای برای خود یافته است، جایی که جوجه‌هایش را در آن نگه دارد، جایی نزدیک قربانگاه تو. ای خداوند متعال، پادشاه من و خدای من، خوشا به حال کسانی که در خانه تو ساکنند؛ آنها همیشه تو را ستایش می‌کنند. خوشا به حال کسانی که قدرتشان خداوند است، کسانی که دل‌های خود را به زیارت سپرده‌اند و از دره باکا عبور می‌کنند.

آنها آن را به چشمه‌ها تبدیل می‌کنند و باران پاییزی نیز آن را با برکه‌ها می‌پوشاند. آنها از قوتی به قوت دیگر خواهند رفت تا زمانی که هر یک در حضور خداوند حاضر شوند. ای خداوند، خدای قادر مطلق، دعای مرا بشنو! ای خدای یعقوب، به من گوش فرا ده! ای خدا، به سپر خود نگاه کن، با لطف بر مسیح خود

یک روز در صحنه‌های تو بهتر از هزار روز در جای دیگر است. من دربان خانه خدای خود بودن را از ساکن شدن در خیمه‌های شیرین ترجیح می‌دهم. زیرا خداوند، خدا، آفتاب و سپر است.

خداوند لطف و کرم عطا می‌کند. هیچ چیز نیکو را از کسانی که بی‌عیب رفتار می‌کنند، دریغ نمی‌کند. ای خداوند متعال، خوشا به حال کسی که بر تو توکل دارد.

توجه کنید، به خصوص در آن آیه اول، که ای خداوند، خدای قادر مطلق، محل سکونت تو چقدر دلپذیر است! تعدادی مزامیر وجود دارد که خدا را ستایش یا ستایش می‌کنند یا از معبد به عنوان محل سکونت او لذت می‌برند. با این حال، تعدادی از مزامیر نیز پیش‌بینی می‌کنند که حضور خدا شامل کل زمین خواهد شد نه فقط خود معبد به عنوان یک ساختار فیزیکی. اکنون، از نظر تاریخی، به دلیل فساد و گناه، خدا معبد خود را ترک می‌کند، حضور او معبد را ترک می‌کند و معبد توسط بیگانگان ویران می‌شود.

مردم از حضور خدا تبعید شده‌اند، همانطور که آدم و حوا از باغ عدن تبعید شدند. بنابراین، اکنون اسرائیل از سرزمین و از معبد، از حضور خدا تبعید شده است. تفاوت اصلی این است که به نظر نمی‌رسد حضور خدا عدن را رها کند و نابود نشده است.

اما این دقیقاً همان چیزی است که در داستان عهد عتیق اتفاق می‌افتد. به دلیل گناهکار بودن اسرائیل، خدا، معبد را رها می‌کند و حضورش آن را ترک می‌کند. می‌توانید بخوانید که در چند فصل اول کتاب حزقیال، روایت حضور خدا، معبد را به عنوان مکانی که خدا با قوم خود در آن ساکن بود، ترک می‌کند.

و سپس قوم خدا نیز به همین ترتیب از سرزمین، باغ، معبد تبعید یا اخراج می‌شوند و توسط اسیرکنندگان خارجی به اسارت گرفته می‌شوند. حال، این ما را به ادبیات نبوی عهد عتیق می‌رساند. انبیای عهد عتیق زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که معبد اسرائیل بازسازی خواهد شد.

محل حضور خدا، نمادی، نمادی از سکونت خدا با قومش. و احتمالاً گسترده‌ترین روایت در حزقیال فصل‌های ۴۰-۴۸ یافت می‌شود که قبلاً چند بخش از آن را خوانده‌ایم. اما در حزقیال ۴۰-۴۸، حداقل ۴۰-۴۷ روایتی از ساخت معبد آخرالزمان و سپس ورود حضور خدا به آن است.

و سپس در فصل ۴۷، آب رودخانه‌ای را می‌بینیم که از زیر آستانه معبد جاری می‌شود. این را باید با توجه به حزقیال ۸-۱۰ درک کرد. در حزقیال ۸-۱۰ است که به دلیل فساد و گناه، خدا معبد را ترک می‌کند.

و جالب اینجاست که او آن را از شرق ترک می‌کند و پیوند دیگری با عدن برقرار می‌کند. و اکنون در فصل حزقیال، حضور خدا نیز از دروازه شرقی وارد معبد می‌شود. بنابراین، در پی تخریب معبد و تبعید قوم ۴۳

خدا از سرزمین، پیامبران عهد عتیق مانند حزقیال زمانی را پیش‌بینی می‌کنند که روزی خدا معبد خود را بازسازی خواهد کرد و قوم خدا وارد آن خواهند شد یا به سرزمین و معبد بازگردانده می‌شوند.

اما مهمتر از آن، حضور خدا بار دیگر وارد معبد او شده و در کنار قومش ساکن خواهد شد، دقیقاً همانطور که در باغ عدن در پیدایش ۱-۲ انجام داد. شرح مفصل در حزقیال ۴۰-۴۸ بسیار شبیه به شرح و برخی از جزئیات در اول پادشاهان ۵-۷ است.

اگرچه رؤیای معبد حزقیال بسیار فراتر از مورد دوم است. اما کل نکته این است که قصد خدا برای سکونت در میان قومش را نشان دهد. خدا چگونه مشکل فصل سوم پیدایش را حل خواهد کرد؟ خدا چگونه سکونت و حضور خود را در میان قومش احیا و تجدید خواهد کرد؟ و اکنون، در پی همان اتفاقی که برای اسرائیل می‌افتد، همانطور که برای آدم و حوا افتاد، آنها از حضور خدا رانده می‌شوند.

اکنون حزقیال بازسازی معبد را پیش‌بینی می‌کند تا جایی که خدا بار دیگر در میان قوم خود ساکن شود و نیت اولیه خود را که در پیدایش ۱-۲ آمده بود، محقق سازد. اینکه دقیقاً چگونه این امر محقق می‌شود، بعداً مشخص خواهد شد. ما به زودی به عهد جدید نگاهی خواهیم انداخت و دقیقاً خواهیم دید که چگونه این امر به تحقق خود می‌رسد و به اوج خود می‌رسد.

بنابراین، در این مرحله، عهد عتیق با داوری خدا بر اسرائیل و معبد به پایان می‌رسد، اما با انتظارات بازسازی معبد خدا و حضور او در کنار قومش، که در نهایت تمام زمین را در تحقق نیت خدا از باغ عدن پر خواهد کرد. تاکنون، دیده‌ایم که باغ عدن قرار بود یک پناهگاه باشد. باغ عدن قرار بود یک معبد یا خیمه باشد جایی که خدا با قوم خود ساکن بود و آنها به عنوان کاهنان برای پرستش خدا و مراقبت از پناهگاه عمل می‌کردند.

اما به دلیل گناه، آدم و حوا از باغ عدن رانده و تبعید می‌شوند، و بنابراین سوال این است که خدا چگونه می‌خواهد آن وضعیت را احیا کند؟ خدا چگونه می‌خواهد حضور خود را در میان قومش بر روی زمین احیا کند؟ و این در چند مرحله اتفاق می‌افتد، اول از همه با ساخت یک خیمه، یک خیمه موقت که اسرائیل در طول سفر خود در بیابان با خود می‌برد، خیمه‌ای که خدا در آن با قومش ساکن است، اما حداقل در یک سطح به معنای پیش‌بینی این واقعیت بود که روزی حضور خدا کل کیهان را فرا خواهد گرفت. مرحله بعدی نسخه‌ای دائمی‌تر از خیمه بود و آن ساخت معبدی در اورشلیم بود که باز هم به منظور یادآوری حضور خدا در باغ عدن با قومش بود، اما همچنین به منظور پیش‌بینی حضور خدا که کل خلقت را در بر می‌گرفت بود.

اما معبد از آن خدا بود، جایی که خدا در آن ساکن بود، جایی که حضور او در میان قومش آشکار بود. و سرانجام، در پی تبعید دوباره اسرائیل مانند آدم و حوا از باغ، از سرزمین، از معبد به دلیل گناهکاری و به دلیل ویرانی معبد، پیامبرانی مانند حزقیال و برخی دیگر از پیامبران مانند زکریا را می‌بینید که در انتظار یک معبد بازسازی‌شده و تجدید شده، تجدید حضور خدا با قومش، نه تنها در تحقق خیمه و معبد، بلکه در بازگشت به باغ عدن هستند. خدا چگونه قرار است حضور خود را با قومش احیا و تجدید کند؟ و بنابراین ما عهد عتیق را داریم که با انتظارات نبوی از یک معبد بازسازی‌شده و تجدید شده که در آن خدا با قومش زندگی و سکونت خواهد کرد، پایان می‌یابد.

. حال، وقتی به عهد جدید می‌رسیم، تعدادی مکان را می‌یابیم که زبان معبد و تصاویر معبد را به خود می‌گیرند بخشی از سوال این است که آیا زبان معبدی که در عهد جدید می‌یابیم فقط نوعی نمادگرایی و استعاره است یا اینکه قرار است تحقق عهد عتیق را یادآوری کند. در مورد این موضوع در ارتباط با تعدادی از متون صحبت خواهیم کرد. اما کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که اول از همه می‌خواهم با عیسی شروع

کنم و به طور خلاصه به چند متن نگاه کنم تا جایی که چگونه خود عیسی شروع به تحقق وعده‌های معبد وعده حضور خدا در میان قومش می‌کند، و سپس به ادبیات پولس برویم و به تعدادی از مکان‌هایی که خود پولس از تصاویر معبد و زبان معبد برای به تصویر کشیدن حضور خدا در میان قومش استفاده می‌کند اشاره کنم.

سپس به چند نامه دیگر در عهد جدید، جدا از نامه‌های پولس، نگاهی خواهیم انداخت و سپس دوباره در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ به پایان خواهیم رساند. اغلب به همین جا ختم خواهیم شد، زیرا همانطور که گفتیم مکاشفه ۲۲ بیشتر مضامینی را که در پیدایش ۱ و ۲ آغاز شده‌اند و سپس در عهد عتیق و جدید بسط یافته‌اند و اوج خود را در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ می‌یابند، در بر می‌گیرد. اما باز هم، با انجیل‌ها با عیسی شروع خواهیم کرد، زیرا همانطور که گفتیم، وعده‌های عهد عتیق صرفاً به قوم خدا، کلیسا یا حتی به خلقت جدید کامل شده محدود نمی‌شوند، بلکه وعده‌ها اول از همه در عیسی مسیح آغاز می‌شوند.

وعده‌های عهد عتیق ابتدا و پیش از همه در مسیح محقق می‌شوند و سپس، به واسطه پیوستن به مسیح در قوم او نیز محقق می‌شوند. و من استدلال می‌کنم که در عهد جدید، نیت خدا برای احیای باغ عدن و حضور معبد را که اکنون اول از همه در عیسی مسیح محقق می‌شود، یعنی وعده یک معبد بازسازی شده می‌بینیم و احیای حضور خدا در تنشی که از قبل وجود داشته اما هنوز به آن نرسیده‌ایم، مشارکت دارد بنابراین، اول از همه، وعده‌های معبد را که از قبل در مسیح و همچنین در قوم او به طور گسترده‌تر، به واسطه پیوستن قوم او به مسیح، در مسیح بودن، تحقق یافته می‌بینیم، برخی از گفته‌های پولس در مورد مسیح یا اینکه او از تعلق به مسیح صحبت می‌کند.

به واسطه‌ی بودن در مسیح یا تعلق به مسیح، قوم خدا، کلیسا، نیز به معبد تبدیل می‌شوند. اما هنوز بُعدی وجود دارد که هنوز محقق نشده است، زمانی که در خلقت جدید مکاشفه ۲۱ و ۲۲، احیای نهایی معبد را می‌یابیم، احیای نهایی حضور معبد خدا را در کنار قومش می‌یابیم. بنابراین بیایید با انجیل‌ها شروع کنیم و من صرفاً می‌خواهم توجه را به انجیل‌ها و سه متن در انجیل‌ها جلب کنم، یکی از آنها در متی و سپس دو متن در انجیل یوحنا.

در واقع، دو مورد در متی و سپس دو مورد دیگر در انجیل یوحنا وجود دارد. متی در واقع با دو اشاره جذاب به حضور خدا در میان قومش از طریق شخص عیسی مسیح به پایان می‌رسد. بنابراین، متی، فصل ۱ متی به عنوان بخشی از کتاب متی، روایت تولد و روایت نوزادی، فصل ۱ متی با داستان تولد عیسی در آیه ۱۸ آغاز می‌شود و سپس داستان اینکه چگونه یوسف متوجه می‌شود که مریم باردار است و مطمئن نیست چه کاری انجام دهد و بنابراین فرشته‌ای نزد او می‌آید و می‌گوید که او پسری به دنیا خواهد آورد، نام او را عیسی خواهی گذاشت زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد.

سپس متی اضافه می‌کند که همه اینها برای تحقق آنچه خداوند از طریق پیامبر، اشعیا نبی، گفته بود، رخ داد: بارگه باردار خواهد شد و پسری به دنیا خواهد آورد و او را عمانوئیل خواهند نامید، و سپس متی ادامه می‌دهد و تفسیر می‌کند که به معنای خدا با ماست. بنابراین، متی از قبل مشخص کرده است که چگونه می‌خواهد شما عیسی مسیح را به عنوان خدا با ما درک کنید. حضور خدا اکنون در قالب یا در حضور شخص عیسی مسیح ساکن خواهد بود یا حضور خدا اکنون به زمین خواهد آمد.

متی فصل ۱، آیه ۲۳. اما کتاب به پایان می‌رسد، و فکر می‌کنم باید پایان این جمله را بخوانیم. قرار است آن را تا لحظاتی دیگر بخوانیم، و کتاب به همان شکلی که شروع می‌شود، پایان می‌یابد. بنابراین در متی ۲۸، در عبارت معروف و شناخته‌شده‌ی مأموریت بزرگ، متی با این جمله از عیسی به پایان می‌رسد: «تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است؛ پس بروید و همه ملت‌ها را شاگرد سازید و آنها را به نام پدر و پسر و

روح القدس تعمید دهید و به آنها بیاموزید که هر آنچه را که به شما فرمان داده‌ام، رعایت کنند.» و اینگونه است که متی به پایان می‌رسد، و مطمئناً من همیشه تا پایان عصر با شما هستم.

بنابراین، متی با حضور خدا در میان قومش از طریق شخص عیسی مسیح آغاز و پایان می‌یابد. از طریق عیسی مسیح، خدا اکنون با ماست. مسیح با ماست و در شخص مسیح، حضور خدا اکنون با ماست.

بنابراین حداقل به نظر می‌رسد که کتاب متی پیش‌بینی می‌کند که حضور خدا اکنون در شخص عیسی مسیح ساکن یا قابل مشاهده است، و حضور خدا اکنون در شخص مسیح ساکن است. خدا اکنون از طریق عیسی مسیح با قوم خود است. حال دو متن دیگر در انجیل، و آن در انجیل یوحنا است.

احتمالاً شناخته‌شده‌ترین مورد در یوحنا فصل ۲ یافت می‌شود. به گمان من، یوحنا فصل ۲ و آیات ۱۹ و ۲۰ همان‌هایی هستند که می‌خواهم. یوحنا فصل ۲. بیش از هر انجیل دیگری، یوحنا اغلب عیسی را در حال تحت‌الشعاع قرار دادن یا جایگزین کردن یا بهتر بگوییم، به تحقق رساندن نهادها یا چیزهای مختلف از عهد عتیق نشان می‌دهد. حال، در فصل ۲، عیسی را در حال گفتن این جمله می‌بینیم.

این در زمینه پاکسازی یا تطهیر معبد توسط عیسی است. سپس، در آیه ۱۸، یهودیان از او خواستند. این یوحنا ۲ آیه ۱۸ است. چه نشانه معجزه‌آسایی می‌توانید به ما نشان دهید تا ثابت کند که شما صلاحیت انجام همه این کارها را دارید؟ سپس عیسی به آنها پاسخ داد، این معبد را ویران کنید، و من آن را در سه روز برپا خواهم کرد. یهودیان پاسخ دادند، ساخت این معبد ۴۶ سال طول کشیده است، و شما قرار است آن را در سه روز برپا کنید؟ آیه ۲۱، اما معبدی که او از آن صحبت کرده بود، بدن خودش بود.

بنابراین، یوحنا در حال حاضر این جمله را دارد که به نظر می‌رسد بدن عیسی را با معبد برابر می‌داند یا می‌گوید که عیسی اکنون جایگزین معبد می‌شود یا به عبارت بهتر، عیسی آنچه را که معبد در نظر داشت محقق می‌کند. این قصد خدا برای معبد است. این قصد خدا برای سکونت با قومش است که اکنون در شخص عیسی مسیح تحقق می‌یابد.

اما قبل از اینکه به فصل دوم برسید، چیز دیگری وجود دارد که شما را برای خواندن آن به این شکل آماده می‌کند. این موضوع به یوحنا فصل ۱ و آیه ۱۴ برمی‌گردد. یوحنا فصل ۱ و آیه ۱۴، که به اصطلاح مقدمه انجیل است، اساساً یکی از کارکردهایش آماده کردن شما برای خواندن بقیه انجیل است.

اما در یوحنا، فصل ۱، آیه ۱۴، می‌خوانیم که کلمه جسم شد و در میان ما ساکن گشت. ما جلال او را دیده‌ایم، جلال آن یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و حقیقت. حال، این متنی است که ما اغلب در زمان کریسمس می‌خوانیم و گاهی اوقات آن را روی کارت‌های کریسمس، آن‌هایی که رنگ و بوی مذهبی دارند، می‌یابیم.

اما این آیه تأثیرات بسیار گسترده‌تری از چیزی دارد که ما در زمان کریسمس می‌خوانیم. نکته کلیدی، درک آن کلمه است. کلمه جسم شد و در میان ما ساکن شد.

این کلمه اغلب همان چیزی است که به ما گفته می‌شود، و حتی به عنوان خیمه یا چادر ترجمه شده است. بنابراین، برخی نتیجه گرفته‌اند که منظور این آیه این است که عیسی به طور موقت در این زمین اقامت گزید. او آمد و قبل از مرگ و صعود به آسمان، برای مدت کوتاهی خیمه‌ای برپا کرد.

اما من فکر می‌کنم این کاملاً ارتباط با عهد عتیق را از دست می‌دهد، و دقیقاً همان چیزی را که یوحنا سعی دارد به ما بگوید، از دست می‌دهد، و آن این است که یوحنا در حال ایجاد ارتباط با خیمه و معبد در عهد

عتیق است. در واقع، فعل یونانی که در اینجا استفاده شده است، یعنی خیمه زده شده یا ساکن شده، بسته به نحوه ترجمه انگلیسی، یادآور سکونت خدا در خیمه یا معبد در عهد عتیق است. کلمه یونانی احتمالاً معادل نزدیک به کلمه عبری میشکان است که به عنوان سکونت ترجمه می‌شود.

برای مثال، در خروج، فصل ۲۵ و آیه ۹. خروج ۲۵ و آیه ۹. این خیمه و تمام اثاثیه آن را دقیقاً مانند الگویی که به شما نشان خواهم داد، بسازید. و سپس در واقع لاویان ۸. چند کتاب و فصل بعد، لاویان، فصل ۸ و آیه ۱۰. سپس موسی مسح، روغن را گرفت و خیمه و هر آنچه در آن بود را مسح کرد و بدین ترتیب آنها را تقدیس نمود.

و کلمه یونانی در اینجا، فعل ساکن شدن یا خیمه زدن، یادآور آن کلمه برای توصیف خیمه‌ای است که خدا در عهد عتیق با قوم خود در آن ساکن بود. بنابراین، نکته اینجا این نیست که خدا، عیسی مسیح، به طور موقت در میان قوم خود ساکن شد. بله، او این کار را کرد.

اما نکته‌ی اصلی این کلمه این نیست. کلمه‌ی ساکن شده عمداً خیمه و معبد و حضور خدا در آنها را از عهد عتیق به یاد می‌آورد. در واقع، کلمه‌ی بعدی، جلال، نیز عهد عتیق را به یاد می‌آورد.

ما در کتاب حزقیال دیدیم که جلال خدا معبد را پر کرده بود، و جلال خدا در جاهای دیگر خیمه را بنابراین، کلمه جلال بار دیگر خیمه خدا یا حضور او در معبد را در عهد عتیق به یاد می‌آورد. یک متن بسیار جالب در ارتباط با این موضوع، حزقیال، فصل ۴۳ است.

در باب ۴۳ کتاب حزقیال می‌خواهم هفت آیه اول را بخوانم. ما قبلاً چند آیه از آنها را در رابطه با باغ عدن، و رو به شرق خوانده‌ایم. اما چیزی که می‌خواهم به آن توجه کنید در باب ۱ آیه ۱۴ از انجیل یوحنا است. آن دو کلمه، کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد، فعل ساکن شد، و ما جلال او را دیدیم.

همین دو کلمه، فعل ساکن شدن و کلمه جلال، در حزقیال ۴۳ در رابطه با ساکن شدن جلال خدا در معبد یا ورود به آن، با هم آمده‌اند. بنابراین، من با آیه ۱ از حزقیال ۴۳ شروع می‌کنم. سپس آن مرد، فرشته‌ای که این رؤیا را به حزقیال نشان داد، مرا به دروازه معبد که رو به شرق بود، آورد و من جلال، جلال خدای اسرائیل را که از شرق می‌آمد، دیدم.

صدای او مانند غرش آب‌های خروشان بود و زمین از جلال او روشن شده بود. رؤیایی که دیدم مانند رؤیایی بود که هنگام آمدن او برای نابودی شهر داشتم و مانند رؤیاهایی که در کنار رودخانه قیبار دیده بودم، به رو افتادم. جلال خداوند از دروازه‌ای که رو به شرق بود، وارد معبد شد.

آنگاه روح مرا برداشت و به صحن داخلی آورد و جلال خداوند معبد را پر کرد. در حالی که آن مرد در کنار من ایستاده بود، شنیدم که کسی از درون معبد با من صحبت کرد و گفت: «ای پسر انسان، این مکان تخت من و جای کف پاهای من است. اینجا جایی است که من تا ابد در میان بنی اسرائیل زندگی خواهم کرد.»

خاندان اسرائیل دیگر هرگز نام مقدس مرا بی‌آبرو نخواهند کرد، و نه پادشاهان با فحشا و بت‌های بی‌جان خود، و نه پادشاهان و مکان‌های آنها. بنابراین، آن زبان، مکانی که در آن زندگی خواهم کرد، و سپس زبان جلال، هر دو اکنون در یوحنا فصل ۱ و آیه ۱۴ منعکس شده‌اند. بنابراین آنچه یوحنا می‌گوید این نیست که این یک اقامت موقت یا گذرای عیسی بر روی زمین بوده است، اگرچه این درست بود، بلکه در عوض، او بار دیگر می‌گوید، در شخص عیسی مسیح، نیت خدا برای معبد اکنون محقق شده است.

جلال خدا که در عهد عتیق وارد معبد شده بود، اکنون در عیسی مسیح ساکن شده است و اکنون در شخص مسیح است که خدا با قوم خود ساکن است. حضور خیمه‌وار خدا اکنون در شخص عیسی مسیح با قوم خود حضور دارد. بنابراین، بعداً، یوحنا می‌تواند در فصل ۲ بگوید، عیسی معبد است

عیسی در مورد معبد خود، یعنی بدنش، صحبت می‌کرد، نه یک ساختار فیزیکی. بنابراین، در انجیل‌ها، ما از قبل پیش‌بینی‌هایی را می‌یابیم که نشان می‌دهد قصد خدا برای سکونت بشر در باغ عدن، که سپس در خیمه و معبد، جایی که جلال خدا در آن ساکن بود و خیمه و معبد را پر می‌کرد، شروع به تحقق کرد و در انبیا پس از تبعید اسرائیل، حتی زمانی که به سرزمین خود بازگشتند، پیش‌بینی شده بود. قصد خدا برای سکونت در معبدش، که در انبیا پیش‌بینی شده بود، اکنون در شخص عیسی مسیح، معبد حقیقی خدا، جایی که اکنون حضور خدا در آن ساکن است و جایی که خدا اکنون شروع به سکونت با قوم خود می‌کند، شروع به تحقق می‌کند.

و بنابراین، در بخش بعدی، به طور خلاصه به کتاب اعمال رسولان نگاهی خواهیم انداخت و سپس به بررسی برخی دیگر از متون عهد جدید و چگونگی بسط موضوع معبد توسط آنها خواهیم پرداخت.

این سخنرانی دکتر دیو متیوسون در مجموعه سخنرانی‌هایش در مورد الهیات عهد جدید است. این جلسه ششم، معبد در عهد عتیق است.